



ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید

بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی

سیه گلیمان: بیچارگان (عاشقان)

شاعر قلندروار و خرسند از خدا می‌خواهد که بلا ی عشق را بر دل او قرار دهد چرا که می‌داند خدا دوستان خود را مورد بلا و امتحان بیش‌تری قرار می‌دهد.

نگاه کنید به درس ۱۲ سال سوم «شفایت می‌دهم...»

همه سلامت نفس آرزو کنند مردم

خلاف من که به جان می خرم بلایی را

لاجرم اغلب بلا بر انبیاست

که ریاضت دادن خامان بلاست

لاجرم: ناچار

از همه خلق جهان افزون تر است

زین سبب بر انبیا رنج و شکست